

گزارش اختصاصی «توسعه ایرانی» از موسسه‌های اعزام دانشجوی به خارج از کشور

# «برای همه کشورهای اروپایی پذیرش می‌گیریم»!

این روزها تب تند مهاجرت و ادامه تحصیل در خارج از کشور نه تنها کار موسسات مجاز را ساکنه نکرده، بلکه به افراد و موسسات غیر مجاز و فضای مجازی هم کشیده شده است. گروه‌های تلگرامی برای این کار درست شده و دانشجویانی را که متقاضی رفتن باشند، دور هم جمع می‌کنند. در این گروه‌ها افرادی با اسم‌ها مختصر و ناقص فعالیت می‌کنند که اهواز همان ابتدای می‌شود فهمید که کاسه‌ای زیر نیم کاسه است. خانم ب، آقای الف و...



اسم محمدی

در سال‌های اخیر مهاجرت تحصیلی یا اعزام دانشجوی به خارج از کشور بسیار متداول شده است. نوجوانان و جوانان پس از گذراندن دوره ابتدایی و متوسطه با قبولی در دانشگاه‌ها و کالج‌ها به دنبال ارتقای سطح دانش و کسب تجربه‌های مختلف هستند. در این میان چگونگی اعزام دانشجوی همواره پیچیدگی‌ها و ابهامات خاصی به همراه دارد. قوانین و مقررات موجود در کشورهای مختلف نیز با هم متفاوت است و آشنایی با این قوانین، مستلزم صرف وقت زیادی از سوی دانشجویان است برای همین دانشجویان ساده‌ترین راه را انتخاب می‌کنند و این پرسه‌راه موسسات اعزام دانشجویی می‌سازند، اما کدام موسسات؟ به یکی از این موسسات سری می‌زنیم. طبقه چهارم یک برج در فرماتیه به محل رفت و آمد بدل شده؛ از لابی و نگهبانی که بگذردید با آسانسور خودتان را به بالا برسانید، اما دختران و پسرانی رویه‌رو می‌شوند که در یک سالن شیک، شیشه‌ای و آراسته نشسته‌اند به انتظار. در باز می‌شود: «عزیزم چی شد؟ بالاخره کجا میری؟»، دختر تقریباً ۲۰ سالش است و با لبخندی از سر رضایت جواب می‌دهد: «فرانسه». پشت در، اتاق مشاوره است. فردی که به او دکتر می‌گویند، نشسته و بابت هر چند دقیقه صحبت، مبلغی برای مشاوره مهاجرت می‌گیرد. دکتر شرایط آدم‌های سالن که تقریباً همه شان زیر ۳۰ سال هستند را می‌شنود و به آنها می‌گوید برای رفتن به کدام نقطه دنیا شرایط بهتری دارند، چقدر باید هزینه کنند و چطور کارشان انجام می‌شود. از پله‌های کمپوز که بالا بروید به یک دفتر کوچک می‌رسید که سردرش را چندین تابلو پوشانده شده، اما وارد که می‌شوید با یک موسسه که کلاس‌های آموزشی حقوق برگزار می‌کند، رویه‌رو می‌شوید.

حسین ۲۹ ساله، فارغ‌التحصیل مهندسی مکانیک است. او یک سال پیش در همین موسسه اعزام دانشجویی پرونده تشکیل داد و قرار بود با پرداخت ۱۳۰۰ یورو راهی فرانسه شود؛ «چون شاغل بودم و سرم شلوغ بود، به یکی از موسسات مسرود تأیید وزارت علوم برای اعزام دانشجوی رفتم؛ موسسه... اول برای مشاوره رفتم و بعد هم قرار داد بستیم، دفتری قدیمی و کوچک بود در جنوب شهر. گفتند همان اول نصف پول را بده و همانجا ۵۰ یورو پرداخت کردم. آن روزها نوسان ارز تازه شروع شده بود و یک‌ماه

بعد یورو چندین برابر شد.» او می‌گوید باینکه در قرارداد هزینه‌های مختلف و اقداماتی که باید انجام دهند، قید شده بود، اما باز هم به بهانه‌های گوناگون از او پول می‌گرفته‌اند؛ «طبق قرارداد هزینه‌هایی مثل ترجمه و اپلیکیشن فی‌ها (هزینه ثبت نام دانشگاه‌ها) با من بود. اما هزینه تراشی‌هایی می‌کردند من هم آن زمان سردر نمی‌آوردم؛ مثلاً برای تأیید مدارک سفارت که رایگان بود از من پول گرفتند. برای صرف‌فایتم نام در آزمون زبان، مبلغی برابر با هزینه همان آزمون را هم گرفتند؛ دو برابر هزینه اصلی.» اما جدای از این خرج تراشی‌ها، مشکل حسین از زمانی شروع شد که تازه فهمید با گذشت چندین ماه، موسسه هیچ کاری انجام ندهاده و اگر داده، درست نبوده است؛ «به دلایلی (زمان مقرر) که نزدیک شدیم از مدرک زبانم ایراد گرفتند، اما گفتند می‌توانند با همان مدرک یا بدون آن پذیرش بگیرند. هزینه‌های هم بابت اپلای (با ثبت نام‌ها) گرفته شد. پس از مدتی هر چه اصرار می‌کردم مدارک ثبت نام را نشان دهید، عکس چند ایمیل و مکاتیب نامفهوم را نشان می‌دادند. رویه‌رو می‌شوید که در یک سالن شیک، مهلت ثبت نامشان در آن روز یا گذشته بوده و یا اصلاح رفته من نبودند. من مانده بودم وقت سفارتی که یک‌ماه بعد بود.»

**بروهر کاری که می‌توانی بکن**  
بعدها مواجهه با این مشکلات، وقتی حسین برای فسخ قرارداد دوباره به موسسه رفت با تغییرات گسترده آن رویه‌رو شد؛ «موسسه به گیشان نقل مکان کرده بود. دفتر تقریباً تمیز و شیک بود، نقطه مقابل دفتر نمور و قدیمی قبلی. متقاضیانی از شهرهای دور برای مشاوره به انتظار نشسته بودند. متقاضی همه چیز هم بودند، ویزای کار، شینگن، دانشجویی؛ از ترکیه گرفته تا اروپا و کانادا. آن روز هم قرارداد فسخ نشد و به جلسه دیگری کشیده شد. بعد از تقریباً یک‌ماه تماس گرفتند و آدرس یک دفتر را در شمال شهر دادند، در یک برج دیدن تفاوت این ساختمان با جایی که روز اول دیده بودم، با شگفتی زده‌ام کرد؛ البته طبیعی هم بود که با بالا رفتن قیمت ارز، کارشان سکه به بالا رفت. اولش سعی کردند به ادامه کار ترغیب کنند اما من قبول نکردم. برای بازگرداندن پول خدندیدند و گفتند یورویی بازگشت داده نمی‌شود، مگر به قیمت ریال همان روز. وقتی اعتراض کردم آقای به اسم «ر» که اتفاقاً رئیس موسسه هم بود، گفت من موسسه حقوقی دارم، اگر شکایت کنی تا چند سال پولی دستت را نمی‌گیرد. خانمی هم آنجا بود که کارهای مالی را انجام می‌داد. او گفت که ما پشیمانم گرم نوسان ارز تازه شروع شده بود و یک‌ماه

آقای «الف» در اصفهان، خانم «میم» در مشهد، آقای «ب» ساکن اروپا، گروه «م» در تهران و... تنها بخش کوچکی از موسسه‌هایی هستند که با تبلیغات گسترده تلاش می‌کنند تا متقاضیان مهاجرت بیشتری را برای تشکیل پرونده به سوی خود بکشانند. آن‌ها هم در شرایطی که قیمت دلار و یورو اوج گرفته و کار و کاسبی آنها هم سکه است، اگر قصد ادامه تحصیل در آن سوی آب‌ها داشته باشند و سسری به گروه‌های تلگرامی یا دیگر شبکه‌های اجتماعی بزنند، این‌ها پای ثابت مکالمه‌ها هستند. اگر چه معدود کسانی با راهنمایی این افراد موفق شده‌اند به خواسته‌هایشان برسند، اما تعداد قربانی‌ها بسیار بیشتر از کسانی است که در نهایت ویزای دانشجویی دریافت کرده‌اند. شیوه کار این افراد مشخص است؛ پذیرش‌ها یا از دانشگاه‌های نامعتبر گرفته می‌شود و یا مشروط به چیزی که عمدتاً مدرک زبان است. متقاضی بنا بر قرارداد پول را پرداخت می‌کند و در مرحله بعد که با مشکلات سفارت مواجه می‌شود، متوجه کلاه‌های می‌شود که بر سرش رفته است.

**از ناآگاهی من سوءاستفاده کرد**  
لیلا یکی از کسانی است که گرفتار خانم «میم» شده. ۳۱ ساله است و کارشناسی ارشد مهندسی عمران را از دانشگاه امیرکبیر گرفته؛ «برای انجام کاری به پاساژ کنار سفارت آلمان رفته بودم. با آقای ب نام آشنا شدم که مدعی بود با سفارت در ارتباط است و برای انجام کارها خانم «میم» را معرفی کرد. آن خانم دفتر کار مشخصی نداشت و هر بار که به تهران می‌آمد یک جا قرار می‌گذاشتیم. ۷۵۰ یورو بابت وقت سفارت و ۷۵۰ یورو برای پذیرش گرفتم. این دانشجوی بعد از اینکه فهمید خانم «میم» کاسه‌ای زیر نیم کاسه‌اش است، تلاش کرد تارادی از او به دست بیاورد؛ «من از روند کار اطلاعی نداشتم اما بعداً متوجه شدم برای من با مدرک لیسانس اقدام به پذیرش کرده است. اگر با رشد اقدام کرده بودم دیگر نیازی به گرفتن وقت سفارت نبود، اما از ناآگاهی من سوءاستفاده کرد و برای گرفتن وقت سفارت که تنها رفتن در سایت بود ثبت نامم، ۷۵۰ یورو گرفت. پذیرش هم دانشگاه بخوم در آلمان بود که در واقع پذیرش در آن مشروط است و باید یک سال اول آنجا زبان بخوانید، بدون اجازه کار دانشجویی. با همین مدارک به سفارت رفتم و به دلیل راهنمایی اشتباه این خانم ریجکت شدم. علی‌رضا ۳۰ ساله هم یکی دیگر از کسانی است که از طریق دوستش با خانم «میم» آشنا و گرفتار شد. او ساکن شیراز است و معماری خوانده و

مشترک است پذیرش‌های مشروط و انگیزه‌نامه‌های تکراری است. همین دو عامل باعث شده بیشتر کسانی که به خصوص از سفارت آلمان به اصطلاح ریجکت شده‌اند، از متقاضیان آقای «الف» باشند. آقای «الف» سابقه‌اش در این کار زیاد است و با یک جست‌وجوی ساده اینترنتی شماره دفتر او به دست می‌آید. آن طرف خط زنی جواب می‌دهد. اطلاعات اولیه را می‌گیرد و وقتی مطمئن می‌شود شرایط لازم را دارد، شماره را به آقای «الف» وصل می‌کند. او با لحنی بی‌حوصله شرایط را بازگو می‌کند؛ «قرارداد ما ۶۰۰ یورو است و یکجا باید پرداختش کنید. گفتید رشته تحصیلی‌تان چیست؟ علوم ارتباطات؟ یعنی چه رشته‌ای؟ مهندسی کامپیوتر؟» او اصلاً نمی‌داند چه پذیرش برای این رشته باید گرفت ولی با خونسردی و اعتماد به نفس می‌گوید: «در این مدت که ما تلاش می‌کنیم و وقت سفارت‌تان حاضر می‌شود زبان بخوانید تا پذیرشتان را آماده کنیم.»

**مجوز نداریم اما این کار را می‌کنیم**  
او در توجیه نداشتن مجوز می‌گوید قانونی وجود ندارد که بگوید کار نکن؛ «مجوز نداریم اما این کار را می‌کنیم. قرار دادها هم در دفتر ثابت می‌شود. هیچ کجای قانون نگفته‌اند اگر کسی آمد و به ما گفت برای من پذیرش بگیرد ما بگوییم نه پذیرش نمی‌گیریم. ما کارمان ترجمه است و در کنارش این کار را هم انجام می‌دهیم.» پاسخ او برای اشتباه احتمالی هم جالب است؛ «در طول قرارداد، شما خدماتی می‌گیرید و ما هم نمی‌توانیم در نهایت سفارت را تضمین کنیم. اگر پذیرش بگیرد ربطی به سفارت ندارد، تلاش ما بوده است. اگر پذیرش نگیرد، ۵۰ درصد قرارداد را به شما برمی‌گرداند. او هر گونه نوشتن انگیزه‌نامه را هم دروغ می‌داند و می‌گوید اگر هم تا به حال بوده برای کمک انجام شده و وظیفه‌های نداشته‌اند؛ «ما خدماتی برای سفارت ارائه نمی‌دهیم. کاری برای انگیزه‌نامه انجام نمی‌دهیم. این بحث اخلاقی است.» آقای «الف» دیدن متن قرارداد را به حضور دفتر اصفهان منوط می‌کند و در پاسخ به ارسال از طریق ایمیل یا شبکه‌های مجازی شماره موبایل غلطی می‌دهد و تلفن را قطع می‌کند. آقای «ب» ساکن فرانکفورت آلمان است. پدرش موسسه‌ای غیر مجاز زده و به نمایندگی از او، قراردادها را به اصطلاح سروسامان می‌دهد. کارش فرستادن دانشجوی به اروپا است؛ البته از طریق ویزای کاری هم چند نفر را بلا تکلیف گذاشته. در این بین مادرش هم تاجایی که می‌تواند از بین دوستان و آشنایان متقاضی جمع می‌کند.

**چندسال است که بلا تکلیفیم**  
علی ۲۵ ساله است، هنرستان رفته و فوق دیپلم دارد. او یکی از مراجعہ کنندگان آقای «ب» است و از طریق آقای «گ» که دفتر کارش در کوچه برلن (کوچه کنار سفارت آلمان) است، با او آشنا شده. افراد برای گرفتن وقت سفارت به آقای «گ» مراجعه می‌کنند؛ «دو سال پیش با آقای «ب» قرارداد بستیم. ۶۰ درصد قرارداد، یعنی ۱۸۰۰ یورو اول کار گرفت. به من گفت وقت سفارت شش ماهه می‌رسد، تا آن موقع مدرک زبان آلمانی ات را بگیر. مدرک را گرفتم. انقضایش هم تمام شد، اما هنوز کاری برایم انجام نداده است.»



آدرس را برایتان می‌فرستیم.

**قرارداد ما ۶۰۰ یورو است و یکجا باید پرداختش کنید**  
اصفهان، پاساژ «ن»، دارالترجمه «پ». اگر قصد ادامه تحصیل در اروپا داشته باشید و عضو گروه‌های تلگرامی احتمالی آقای «الف» را زیاد شنیده‌اید. چیزی که بین متقاضیان

**شیوه کار این موسسات مشخص است؛ پذیرش‌ها یا از دانشگاه‌های نامعتبر گرفته می‌شود و با مشروط به چیزی که عمدتاً مدرک زبان است. متقاضی بنا بر قرارداد پول را پرداخت می‌کند و در مرحله بعد که با مشکلات سفارت مواجه می‌شود، متوجه کلاه‌های می‌شود که بر سرش رفته است**

علی با پدرش به دفتر موسسه‌ای که پدر آقای «ب» در تهران راه اندازی کرده، مراجعه می‌کنند. اما چیزی نصیب نمی‌شود؛ «با پدرم رفتیم موسسه‌ای که پدر آقای «ب» به نمایندگی از او راه اندازی کرده و کارها را انجام می‌دهد. نگاهبان گفت آقای «ب» شبانه اسباب و اثاثیه را جمع کرده و رفته. این حرف درست مثل آب یخی بود که روی سرمان ریختند. دیگر نه پدرش و نه خودش جوابم را نمی‌دهند. پول را که گرفته و معلوم نیست اصلاح‌کاری انجام داده یا نه، چندسال است که بلا تکلیفیم.»

رضا ۲۴ ساله، ترم آخر کارشناسی تربیت بدنی، یکی دیگر از متقاضیان اعزام دانشجویی است که آقای «ب» برایش پرونده تشکیل داده و پیگیری کارش است. مادر آقای «ب» با مادرش آشناست و به او گفته دست پسرش به جایی بند است و می‌تواند رضا را بدون سربازی با گرفتن پذیرش دانشگاه به آلمان بفرستد؛ «وزی که قرارداد را امضا کردیم، یورو ۱۷ هزار تومان بود. مبلغ قرارداد ۳۰۰۰ یورو بود و ۶۰ درصد را گرفت. گفت اگر نتواند پول را پس می‌دهد، ما هم فکر کردیم به هر حال با خانواده‌اش آشناست و سرمان کلاه نمی‌گذارد. به من گفت وقت سفارت را خودم باید بگیرم، من هم که بلد نیستم و فکر می‌کنم نکنند خودم کاری انجام بدهم که اشتباه باشد و به کل مشکل درست کنیم. قرارداد پاسپورت را بگیرم و شماره‌اش را بیاورم. البته برای ادامه راه مشکل مالی دارم اما باید هر طور شده پول را جور کنم و به دستش برسانم.»

**تعداد موسسات لغو مجوز شده و موسسات مجاز**  
خبرگزاری مهر آبان ماه گذشته لیست تعداد موسسات لغو مجوز شده و موسسات مجاز را منتشر کرد. در این فهرست ۱۰۷ موسسه و شرکت لغو مجوز شده اعزام دانشجوی و ۱۲۹ موسسه مجاز اعزام دانشجوی به خارج منتشر شد. از فهرست ۱۲۹ موسسه مجاز اعزام دانشجوی، زمان مجوز برخی از موسسات به اتمام رسیده که تسدید مجوز آنها در دست بررسی است. موسسات لغو مجوز شده اعزام دانشجوی با توجه به ضوابط و مقررات اجازه هیچ‌گونه فعالیت در خصوص اعزام دانشجوی از قبیل مشاوره، عقد قرارداد و... نخواهند داشت. در هر حال دانشجویانی که متقاضی هستند باید حواسشان به این کلاهبرداری‌ها باشد و در جاهای مطمئن اقدام کنند. براساس لیستی که خردادماه ۹۸ سازمان امور دانشجویان منتشر کرده، ۱۱۹ موسسه مجاز به اعزام دانشجویی که خارج هستند، لازم دانشجویانی که اقدام می‌کنند به این لیست حتماً مراجعه کنند.

## یادداشت

### نقش قصه و قصه درمانی در سلامت روان



نازیه ناصح، دکترای روانشناسی عمومی

به نظر شما بیان حکایات و قصه‌ها چقدر می‌توانند برای افراد در پذیرش مشکلاتشان نقش کمک‌کننده ایفا کنند؟ از منظر روانشناسی می‌توان گفت به طور کلی حکایت و قصه در فرایند رشد و پرورش نظام شخصیتی افراد تأثیر بسزایی دارد.

درواقع «قصه‌گویی» یا «قصه‌درمانی» یکی از مهم‌ترین ابزارهای است که روانشناسان و روان‌درمانگران برای حل مشکلات و مسائل مراجعان از آن بهره می‌برند؛ چرا که قصه‌ها، بازنمایی از خود افراد و تجربه‌های آنان هستند. از این رو با بیان حکایت و قصه عرصه‌ای فراهم می‌شود تا مراجع با مددجو بتواند قصه زندگی خودش را به آن فرافکند و به عبارتی با همگانی جلوه دادن مشکلاتی که فرد با آنها دست و پنجه نرم می‌کند، شرایطی فراهم می‌شود تا آدمی احساس کند که تنها نیست و مشکل وی خاص، منحصر به فرد و غیر قابل حل نیست.

به طور کلی باید خاطر نشان کرد هر قصه یا حکایت با درگیر کردن چهار قلمرو مهم از وجود انسان نظیر قلمروهای شناختی، عاطفی، شخصی و بین فردی زمینه‌ای را فراهم می‌آورد تا آدمی همواره به یاد داشته باشد که تنها موجود در جهان نیست که اینگونه مشکلات را دارد و این چنین احساسات ناخوشایندی را تجربه می‌کند، دیگرانی نیز هستند که چنین مشکلاتی را داشته‌اند.

به این ترتیب با این رویکرد تا حدود معناداری درد ناراحتی فرد تقلیل می‌یابد و این انگیزه در فرد تقویت می‌شود که برای یافتن راه حل مورد نظرش دست از تلاش نباید بردارد.

روانشناسان و متخصصان امور تربیتی نیز اعتقاد دارند «قصه‌گویی» برای کودکان نیز به منزله پلی میان آنها و دنیای پیرامونشان است که با بهره‌بردن از این ابزار می‌تواند کودک را برای رویارویی با فقدان‌ها، هراس‌ها و اضطراب‌ها آماده کند؛ به این ترتیب «قصه» به گونه‌ای جذاب به عنوان ابزاری نیروبخش و امید دهنده تلقی می‌شود که کودک با استفاده از آن با محیط زندگی و جهان اطرافش آشنا می‌شود.

در سال‌های اخیر کارشناسان روانشناسی با توجه به تحقیقات بسیار در خصوص اهمیت «قصه‌خوانی» برای کودکان و اثبات اثرات مثبت آن در حوزه رشد فکری و روانی دانش‌آموزان همواره به والدین توصیه می‌کنند از همان سنین پایین، قصه‌گویی را شروع کرده و این روند را تامل‌های بعدی در دوران ابتدایی نیز همچنان ادامه دهند.

روانشناسان معتقدند از مهم‌ترین آثار مهم «قصه‌گویی» برای کودکان و دانش‌آموزان رشد عاطفی و هیجانی، گسترش گنجینه واژگانی، پرورش ذوق هنری، بالا بردن سطح کتابخوانی، تقویت قدرت بیان و حافظه و همچنین تلطیف عواطف و احساسات را می‌توان نام برد. هر چند ممکن است در نگاه نخست «قصه» بیشتر به عنوان وسیله‌ای برای سرگرم کردن کودکان به نظر برسد، اما متخصصین روانشناسی اظهار دارند «قصه‌ها» با بیان غیرمستقیم نکات آموزشی بستر لازم را برای رشد، پرورش و تربیت کودکان و نوجوانان فراهم می‌آورد و نقش بسزایی در تربیت اجتماعی آنان ایفا می‌کنند. از اینرو حتماً والدین در حین «قصه‌گویی» باید دقت داشته باشند که پایان قصه نباید خیلی صریح و مستقیم به نتیجه‌گیری ختم شود و مثلاً اینطور نتیجه‌گیری کنند و بگویند ادب، انضباط، حرف گوش کردن و... خوب است؛ امثال چنین نتیجه‌گیری‌هایی سبب تبدیل آموزش غیرمستقیم به آموزش مستقیم می‌شود و در نتیجه از شدت تأثیرگذاری تکنیک آموزش «قصه‌گویی» می‌کاهد.

والدین باید نتیجه‌گیری را برعهده خود کودک بگذارند و خودشان فقط نقش تسهیل‌کننده و هدایت‌گر را در این مسیر داشته باشند. روان‌درمانگران و کارشناسان روانشناسی براساس داده‌ها و نتایج بدست آمده از پژوهش‌ها همواره بر این نکته نیز تأکید دارند گاهی یک قصه می‌تواند چنان تأثیر عمیقی بر زندگی و آینده کودکان و دانش‌آموزان بگذارد که ده‌ها آموزش از راه آن عاجز خواهند بود. به همین ترتیب اهمیت «قصه‌گویی» به عنوان محرکی قوی تقویت و تحریک خیال‌پروری در کودکان و نوجوانان از یک سو و تأثیر شگرفش در تسریع فرایند یادگیری و تثبیت معلومات آنان از سویی دیگر بر کسی پوشیده نیست.